



شناسایی راهکارها و پیامدهای حضور زنان در استادیوم فوتبال به عنوان تماشاگر

اکرم فراهانی^۱
عزت اله شاه منصوری^۲
زینب مندعلی زاده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۷/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۹/۲۷

هدف این پژوهش، شناسایی راهکارها و پیامدهای حضور زنان در استادیوم فوتبال به عنوان تماشاگر بود. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی بود و در این راستا از روش دلفی استفاده شد. مشارکت کنندگان در این رویکرد، صاحب نظران رشته مدیریت ورزشی سراسر کشور، روحانیان و پرسنل نیروی انتظامی بودند. برای جمع آوری داده‌ها، از سه دور دلفی استفاده شد (مشارکت کنندگان دور اول ۲۳ نفر و مشارکت کنندگان دور دوم و سوم، ۱۶ نفر بودند). پرسشنامه دلفی در دور سوم در بخش راهکارها شامل ۶ مؤلفه و در بخش پیامدها شامل ۵ مؤلفه بود. برای تعیین درجه هماهنگی و توافق بین افراد بر شاخص‌های به کار رفته از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. نتایج نشان داد که رفع موانع سیاسی، امنیتی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و زیرساختی از جمله راهکارهای مهم جهت حضور زنان بودند. پیامدهای حضور زنان نیز عبارت بودند از: پیامدهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی.

در نتیجه گیری کلی می‌توان گفت به کارگیری راهکارهای ارائه شده در این تحقیق نیاز به همکاری سیستماتیک نهادهای ذی ربط دارد و حضور زنان منجر به ارتقای جایگاه سیاسی و دموکراسی کشور در منطقه و جهان، کاهش شکاف بین دولت و خواسته بخشی از مردم و کاهش فشارهای سیاسی در زمینه نقض حقوق بشر می‌شود.

واژگان کلیدی: راهکار، پیامد، تماشاگر زن و استادیوم فوتبال

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
۲. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Et.shahmansoori@gmail.com
۳. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

مقدمه

نگاهی به تاریخ حضور زنان در مجموعه‌های ورزشی از زمان یونان باستان نشان از نوعی محدودیت برای حضور و حتی مشارکت آنان در ورزش بوده است. امروزه نیز در قرن بیست و یکم، ۹۰ درصد اخبار، روزنامه‌ها و نیز گفتگوها پیرامون مردان ورزشکار است تا زنان. علی‌رغم این واقعیت که زنان بیشتری نسبت به هر زمان دیگری، به عنوان مشارکت‌کننده در مجموعه‌های ورزشی حضور دارند، اما مقالات زیادی به نقش ورزش در زندگی مردان پرداخته‌شده به جای اینکه به‌گونه‌ای برابر و حتی بیشتر به نقش و اهمیت ورزش برای زنان بپردازد (هارگروس^۱، ۱۹۹۴ و پوپ^۲، ۲۰۱۳). در واقع، اهمیت ورزش برای زنان در تمامی ابعاد چه به عنوان طرفدار ورزشی و چه به عنوان ورزشکار، در راستای توانمندسازی به عنوان رویکردی برای تغییر مثبت اجتماعی دنبال می‌شود. علاوه بر این، مفهوم توانمندسازی زنان و عدالت جنسیتی به عنوان پیش‌برنده و ارتقادهنده کیفیت زندگی زنان در نظر گرفته شده است که در این زمینه نقش ورزش بسیار پررنگ و حائز اهمیت است. نمونه‌ای از این توجه و اهمیت را در اسناد و سیاست‌های سازمان ملل متحد می‌توان مشاهده کرد. این اسناد بر افزایش توجه جهانی به حقوق زنان و تسهیل مشارکت آنان در ورزش تأکید داشته است (بن و همکاران^۳، ۲۰۱۱ و بوتلر^۴، ۲۰۰۸). در این زمینه سیاست‌مداران در انگلستان برای تدوین فرهنگ ورزشی در سال ۱۹۹۴ برنامه‌ای را تدوین کردند که هدف آن ایجاد ارزش و دستاوردهایی برای زنان در تمام زمینه‌های ورزشی بود که موضوعات محوری آن شامل برابری و عدالت در جامعه، توسعه مشارکت، عملکردهای بالای ورزشی، رهبری در ورزش، آموزش، تمرین و توسعه بود (هیلتون^۵، ۲۰۰۱). در واقع، حضور زنان به عنوان تماشاگر با در نظر گرفتن اهمیت و خلأ در ایران، در راستای پر کردن اوقات فراغت، تشویق و ایجاد انگیزه نسبت به مشارکت در ورزش، کاهش شکاف جنسیتی، از بین بردن غرض‌های سیاسی و ارتقای کیفیت زندگی معرفی شده است. به‌طورکلی، ورزش به عنوان استراتژی سیاسی - اجتماعی مطرح شده است که می‌تواند جهت مشارکت به منظور کاهش بی‌عدالتی و افزایش انسجام اجتماعی در نظر گرفته شود (بایلی و همکاران^۶، ۲۰۰۴). آنچه در جامعه ایران مشهود است، عدم حضور زنان در استادیوم‌های فوتبال است که در آن مردان به عنوان بازیکن هستند و یا اینکه حضور زنان این نوع مجموعه‌های ورزشی با محدودیت مواجه است. دیدگاه‌های مثبت و منفی زیادی در مورد حضور زنان در ورزشگاه‌ها وجود دارد. به نظر برخی از محققان، در هر مکانی که زنان به عنوان تماشاچی حضور داشته‌اند، نزاکت و انضباط بیشتری در میان ورزشکاران و هواداران حاکم بوده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۹)، درحالی‌که برخی از نخبگان و روحانیان به دلیل نگرانی از عدم رعایت اصول اخلاقی و رفتاری از سوی مردان، زمان حاضر را برای حضور زنان تماشاچی مناسب نمی‌دانند و معتقدند تا هنگامی که این فرهنگ در افراد و در ورزشگاه‌ها ایجاد نشود، حضور تماشاچیان زن، خود سبب بروز مشکلات بیشتری خواهد شد (قراخانلو و

1. Hargreaves
2. Pope
3. Benn
4. Beutler
5. Hylton
6. Bailey

همکاران، ۱۳۸۶). فخارطوسی (۱۳۹۷) حضور بانوان در ورزشگاه‌ها را به عنوان پژوهشی فقهی مورد بررسی قرار داد. وی دو دلیل را از جانب مخالفان حضور زنان در در اماکن ورزشی، معرفی کرده است؛ یکی آیات و روایات و دیگری ممنوعیت اختلاط زنان و مردان. بر اساس پژوهش فخارطوسی، متن این آیات را نمی‌توان شامل همه زنان دانست و این روایات متضمن حکم کلی نیست و از طرف دیگر بر اساس تحلیل وی، ممنوعیت اختلاط، فاقد مستند قرآنی است. همچنین، فخارطوسی، به چهار رویکرد مثبت برای حضور زنان استناد کرده است. نخستین دلیل، قاعده اباحه است که مفاد این اصل - که مورد پذیرش اکثریت علمای شیعه است - مجاز بودن ارتکاب اعمالی است که دلیلی برای ممنوعیت آن وجود ندارد؛ دلیل دوم استناد به حقوق طبیعی است؛ سومین دلیل گزارش‌های فراوانی است که مناسبات آزادانه زنان و مردان را در زمان پیامبر اکرم (ص) و نیز امامان معصوم (ع) نشان می‌دهد؛ چهارمین و آخرین دلیل، سیره متشرعه است که برداشت اولیه و سطحی از این سیره، تجلی ممنوعیت و محدودیت است - در حالی که چنین برداشتی درست نیست. بر اساس دلایل یاد شده، این محقق نتیجه می‌گیرد که بانوان می‌توانند در ورزشگاه‌ها به عنوان تماشاگر در کنار مردان حاضر باشند.

تحقیقات اندکی در مورد حضور زنان به عنوان تماشاگر در ورزشگاه‌ها انجام شده و در خارج از کشور چندین به آن پرداخته نشده است، زیرا زنان در خارج از کشور در حین مسابقات در ورزشگاه به عنوان تماشاگر حضور دارند؛ اما تحقیقات خارجی در مورد شکاف جنسیتی حتی در قرن بیست و یکم نیز انجام شده از جمله تحقیق ویکر و همکاران^۱ (۲۰۱۹) که تغییرات سرمربیان کالج فوتبال زنان در آمریکا را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش آنان نشان داد که تغییر معناداری بین انتخاب سرمربی زن و مرد وجود ندارد و از این رو، مفروضات کلیشه جنسیتی در مورد این تحقیق صدق نمی‌کرد. در مطالعه‌ای دیگر لیچفیلد و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، نقش رسانه‌های اجتماعی در سیاست‌های جنسیتی و نژادپرستی در مورد یک تنیسور زن آفریقایی - آمریکایی را مورد تحلیل قرار دادند که نتایج حاکی از تبعیض‌های جنسیتی و نژادی به‌ویژه در فضای مجازی علیه این ورزشکار زن بود. تحقیقات دیگری نیز از جمله مطالعه استروناچ و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، دیکسون^۴ (۲۰۱۸) و ریچاردز^۵ (۲۰۱۸) تبعیض در محیط‌های ورزشی در حیطه‌های مشارکت در ورزش و یا رهبری و مدیریت زنان در ورزش را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بیشتر تحقیقات داخلی انجام شده نیز بر روی مسائلی همچون: بررسی نگرش اقسار مختلف جامعه درباره حضور تماشاچیان زن در میدان‌ها و رقابت‌های ورزشی مردان (قراخانلو و همکاران، ۱۳۸۶)، تأثیر حضور تماشاگران مرد و زن بر میزان بروز رفتار پرخاشگرانه ورزشکاران (رحمانی نیا و همکاران، ۱۳۸۲)، عوامل مؤثر بر حضور تماشاگران فوتبال در ورزشگاه‌ها (المیری و همکاران، ۱۳۸۸)، تأثیر دوستان، موقعیت اجتماعی و خانواده بر انگیزش جذب تماشاگران به مسابقات لیگ برتر فوتبال

1. Wicker et al.
2. Litchfield et al.
3. Stronach et al.
4. Dixon
5. Richards

ایران (تجاری و ترک فر، ۱۳۹۱) و بررسی عوامل مؤثر بر حضور تماشاگران زن در استادیوم‌های ورزشی ایران (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵) تمرکز کرده‌اند. بررسی تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که تاکنون تحقیقی به بررسی راهکارها و پیامدهای حضور زنان در ورزشگاه‌ها نپرداخته است. مشکلی که وجود دارد این است که زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه حق دارند که از تمام ابعاد و ظرفیت‌های ورزش در جهت کسب سلامت جسم و روح استفاده نمایند، اما شواهد حاکی از آن است که تاکنون زنان ایران نتوانسته‌اند از این شرایط استفاده نمایند. در نتیجه، هدف محققان پاسخ به این سؤال است:

راهکارهای حضور زنان در ورزشگاه‌ها چیست و پیامدهای حاصل از حضور زنان در ورزشگاه‌ها چه می‌تواند باشد.

پاسخ به این سؤال می‌تواند به مدیران، مسئولان ورزشی و برنامه‌ریزان جامعه کمک نماید تا فرآیند حضور زنان در ورزشگاه‌ها را تسهیل نمایند و از این طریق بتوان مانع بهره‌برداری‌های سیاسی و دیدگاه‌های غربی نسبت به حضور زنان به عنوان تماشاگر در ورزشگاه‌های کشور شد و به ترسیم رویکردهای فرهنگی - اسلامی در ورزشگاه‌ها کمک کرد.

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی بود و از رویکرد دلفی استفاده شد. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود. بنابراین، در میان خبرگان منتخب شماری از استادان دانشگاهی در حوزه مدیریت و ورزش، مدیران ورزشی در حوزه ورزش زنان، روحانیان و کارکنانی از پرسنل نیروی انتظامی حضور داشتند. علت انتخاب استادان دانشگاهی، تخصص این افراد در حوزه ورزش و علت انتخاب روحانیان، تأثیر تصمیم‌گیری و نظرات این افراد به عنوان مراجع دینی در جامعه و علت انتخاب پرسنل نیروی انتظامی، تجارب ایشان در برقراری نظم و امنیت در ورزشگاه‌ها و سایر میادین ورزشی بود. علاوه بر این، معیار انتخاب مدیران ورزشی در حوزه ورزش، سابقه فعالیت مدیریتی و یا سرپرستی در حیطه ورزش زنان بوده است.

بخش دلفی شامل مشارکت‌کنندگان در پانل دلفی بود که بر این اساس افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه را استادان مدیریت ورزشی، روحانیان و برخی از پرسنل نیروی انتظامی تشکیل می‌داد. در بخش پانل دلفی ۲۳ نفر در دور اول (شامل مصاحبه و پرسشنامه اولیه) و ۱۶ نفر در دور دوم (پرسشنامه دلفی) و سوم (پرسشنامه دلفی) در تحقیق مشارکت کردند که از این تعداد، ۹ نفر استاد دانشگاه، ۷ نفر روحانی و ۷ نفر پرسنل نیروی انتظامی بودند.

پرسشنامه مبتنی بر رویکرد دلفی به منظور تعیین گویه‌های مورد نظر استفاده شد که بدین منظور در مرحله اول، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا گویه‌های مورد نظر را بیان کنند. علاوه بر این از ادبیات پیشینه و مصاحبه‌های انجام‌شده با متخصصان استفاده و در نتیجه گویه‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها نیز مطرح شده بود که بین اعضای پانل دلفی توزیع شد و نظرات آنان به دست آمد. در مرحله دوم و سوم پرسشنامه پس از اصلاحات و بازخورد حاصل از پاسخ مشارکت‌کنندگان (میانگین و نظر خود آنان) دوباره بین آنان توزیع شد.

در این تحقیق به منظور تحقق این هدف از اجماع سه سویه در روش جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد که شامل بررسی مطالعات گذشته، مصاحبه و در نهایت، پرسشنامه بود. علاوه بر این افراد درگیر در پانل دلفی، متخصصان امر بودند. در این تحقیق به منظور حصول از اتکاپذیری، روش اجرای دلفی در سه دور اجرا شد. همچنین، برای تعیین درجه هماهنگی و توافق بین افراد بر شاخص‌های به کار رفته از ضریب هماهنگی کندال^۱ استفاده شد. این مقیاس برای مطالعات مربوط به بررسی دیدگاه خبرگان به‌ویژه دلفی مفید است. مقدار مقیاس بین ۰ تا ۱ است. مقدار مقیاس هنگام توافق کامل برابر یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر صفر است. لازم به ذکر است برای اعضای پانل دلفی بیشتر از ۱۰ نفر، حتی مقادیر بسیار کوچک این ضریب نیز معنی‌دار است (وو و فونگ^۲، ۲۰۱۱). برای به دست آوردن ضریب هماهنگی کندال از SPSS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بخش کیفی شامل مشارکت‌کنندگان در پانل دلفی بود که بر این اساس افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه را استادان مدیریت ورزشی، روحانیان و برخی از کارکنان نیروی انتظامی تشکیل می‌دادند. در بخش پانل دلفی ۲۳ نفر در دور دوم و ۱۶ نفر در دور دوم و سوم در تحقیق مشارکت کردند. بر این اساس، ۱۷/۴ درصد رازنان و ۸۲/۶ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۷ سال بود. توزیع درصد میزان تحصیلات نمونه‌ها نشان داد که ۱۷/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک لیسانس، ۳۰/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک فوق لیسانس و ۵۲/۲ درصد از آن‌ها دارای مدرک دکتری بودند. ۶۹/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه مدیریتی بودند و ۳۰/۴ درصد از آن‌ها سابقه مدیریتی نداشتند. راهکارهای تسهیل ورود زنان به استادیوم‌های فوتبال در سه دور دلفی مورد بررسی قرار گرفت و میانگین و انحراف استاندارد میان دور دوم و سوم دلفی به دست آمد که در جدول ۱ نشان داده شده است:

1. Kendall's Coefficient of Concordance (W)

2. Wu & Fong

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد دور دوم و سوم راهکارهای تسهیل ورود زنان به استادیوم های فوتبال

دوره	دور دوم		دور سوم	گویه ها	رتبه	دسته
	میانگین	انحراف معیار				
سیاسی	۰/۹۵	۳/۸۷	۱/۰۸	۳/۷۰	۱	جدا کردن حضور زنان در ورزشگاه ها از مسانل سیلیسی
	۰/۷۷	۳/۹۳	۱/۱۴	۳/۶۰	۲	جلوگیری از بهره برداری سیاسی از مسئله حضور زنان در ورزشگاه ها
	۰/۷۷	۴/۲۵	۰/۸۱	۴/۱۵	۳	حمایت مناسب دولت و دستگاه های سیاسی از حضور زنان در ورزشگاه ها
امنیتی	۰/۸۳	۴/۱۸	۰/۹۱	۴/۰۰	۴	فراهم کردن فضای امن و تأمین امنیت توسط همکاری بین نهادها
	۰/۸۰	۳/۸۷	۱/۰۷	۳/۸۰	۵	کنترل مبادی ورودی و خروجی
	۱/۰۹	۳/۵۶	۱/۲۸	۳/۶۱	۶	شماره گذاری درست صندلی ها
	۰/۷۲	۴/۴۳	۰/۷۷	۴/۳۰	۷	برخورد قاطع، سریع و مؤثر دستگاه ها و مراجع قضایی با برهم زندگان نظم، افراد خاطی و نابهنجار
	۰/۷۳	۴/۰۰	۰/۷۰	۳/۹۹	۸	جلوگیری از ورود افراد مسئله ساز به استادیوم ها
	۰/۶۳	۴/۰۰	۰/۷۷	۳/۸۰	۹	تنظیم و تدوین قوانین و مقررات مربوط به حفظ امنیت ورزشگاه ها
	۰/۸۵	۴/۲۵	۰/۸۸	۴/۰۰	۱۰	ایجاد فضای ذهنی امن برای کلیه تماشاگران اعم از زن و مرد
	۰/۶۳	۴/۵۰	۰/۷۰	۴/۲۷	۱۱	فرهنگ سازی حضور زنان در ورزشگاه ها توسط رسانه ها
	۰/۶۱	۴/۳۷	۰/۸۱	۴/۰۹	۱۲	فراهم کردن آموزش و آگاهی مناسب نسبت به حضور زنان در جامعه
	۰/۹۶	۴/۰۰	۱/۱۲	۳/۸۶	۱۳	دعوت از خانواده ها برای حضور در ورزشگاه ها و تسهیل آن با فراهم کردن امکانات لازم
فرهنگی - اجتماعی	۰/۸۰	۴/۳۷	۰/۹۹	۴/۰۹	۱۴	حمایت رسانه های جمعی
	۱/۰۲	۴/۱۲	۰/۹۸	۴/۰۱	۱۵	پرزنگ کردن حضور زنان پایبند به اخلاقیات از طریق مصاحبه با این افراد در رسانه ها
	۱/۲۰	۳/۸۷	۱/۳۳	۳/۴۳	۱۶	حضور مسئولان مهم کشوری به همراه همسران و دخترانشان در استادیوم ها
	۰/۸۱	۴/۰۰	۰/۸۸	۳/۴۵	۱۷	تغییر دادن نگرش و بهنجار شناخته شدن حضور زنان در ورزشگاه ها از طریق آگاهی دادن به مدیران و مسئولان رده بالای کشور

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد دور دوم و سوم پیامدهای حضور زنان در استادیوم های فوتبال

دوره سوم	دور دوم		گویه ها	رتبه	
	میانگین	انحراف معیار			میانگین
۰/۶۸	۴/۲۵	۰/۹۳	۳/۸۵	۱	سیاسی
۰/۹۹	۳/۹۳	۱/۰۰	۳/۸۰	۲	
۱/۰۳	۳/۵۶	۱/۱۴	۳/۵۰	۳	
۱/۰۹	۳/۵۶	۱/۴۲	۳/۳۵	۴	
۱/۱۹	۳/۶۸	۱/۳۵	۳/۵۵	۵	
۱/۰۱	۳/۶۸	۱/۲۲	۳/۳۵	۶	ایجابی
۰/۷۵	۳/۸۱	۱/۳۶	۳/۲۰	۷	
۰/۸۵	۳/۷۵	۱/۴۳	۳/۵۵	۸	
۰/۵۴	۴/۱۸	۱/۰۳	۳/۷۸	۹	فرهنگی اجتماعی
۰/۶۳	۴/۰۰	۱/۳۰	۳/۴۷	۱۰	
۰/۶۳	۴/۰۰	۱/۱۴	۳/۷۵	۱۱	
۰/۷۷	۳/۹۳	۱/۱۴	۳/۶۰	۱۲	
۰/۶۳	۴/۰۰	۰/۷۳	۴/۰۰	۱۳	
۰/۶۵	۴/۱۸	۰/۶۶	۴/۰۰	۱۴	اقتصادی
۰/۸۰	۴/۱۲	۱/۱۹	۳/۸۰	۱۵	
۰/۷۵	۴/۱۸	۱/۰۲	۴/۰۰	۱۶	
۰/۹۵	۴/۱۲	۱/۱۴	۳/۹۵	۱۷	
۰/۶۱	۴/۳۷	۰/۶۶	۴/۲۰	۱۸	

میزان ضرایب همابستگی کندال در دور سوم برای راهکارها $Kendall W = ۰/۳۱۶۱$ ، $\chi^2 = ۵۲/۲۸۶۲۲$ ، و معنی دار $(p \leq ۰/۰۰۷)$ بود. این ضریب برای پیامدها $Kendall W = ۰/۲۶۹۴$ ، $\chi^2 = ۳۱/۶۳۵$ ، و معنی دار $(p \leq ۰/۰۱۷)$ بود که این مقیاس با توجه به تعداد اعضای سوم دوم دلفی (۱۶ نفر) نشان دهنده میزان نسبتاً مناسبی از توافق است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، شناسایی راهکارها و پیامدهای حضور زنان در ورزشگاه‌ها بود. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۱، اولین راهکار جهت تسهیل حضور زنان در استادیوم فوتبال راهکار سیاسی است که عبارت است از: جدا کردن مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها از مسائل سیاسی، جلوگیری از بهره‌برداری سیاسی از مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها و حمایت مناسب دولت و دستگاه‌های سیاسی از حضور زنان در ورزشگاه‌ها. نتایج پژوهش با نتایج تحقیقات احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، استوناچ و همکاران (۲۰۱۸) و دیکسون (۲۰۱۸) همخوانی دارد. مشارکت کنندگان در پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۵) به طور معنی داری تلاش و اراده مسئولان را برای حضور تماشاگران زن در ورزشگاه‌ها ناکافی دانسته‌اند که به نظر می‌رسد این تلاش به نوعی می‌تواند حمایت مناسب دولت و دستگاه‌های سیاسی از حضور زنان در ورزشگاه‌ها باشد. به نظر می‌رسد ورود سیاست‌مداران به عرصه ورزش و تصمیم‌گیری در مورد مسائل، چالش‌ها و موضوعات مرتبط با آن توسط افرادی که آشنایی، تجربه و شناخت کافی از مسائل ورزشی ندارند و به چالش‌های ورزشی نیز با دید سیاسی نگاه می‌کنند، به حل نشدن مسئله حضور زنان ایرانی در ورزشگاه‌ها کمک نموده است. امروزه در کشورهای پیشرفته در همه مواردی که حضور محترمانه زنان با بعضی دشواری‌ها و موانع روبه‌رو است، اقدامات دولت مردان و مدیران جامعه معطوف به حفظ حقوق زنان و برطرف ساختن موانع می‌باشد. بار دشواری‌ها و مشکلات را دولت و حکومت بر دوش می‌گیرد، نه آن‌که با انتخاب ساده‌ترین راه‌ها، صورت مسئله را پاک نمایند. محدودسازی زنان و جلوگیری از دست‌یابی آن‌ها به حقوقشان، آسان‌ترین راه حل است (فرخ طوسی، ۱۳۹۷).

دومین راهکار جهت تسهیل حضور زنان در استادیوم فوتبال، راهکارهای مرتبط با تأمین امنیت شامل فراهم کردن فضای امن و تأمین امنیت توسط همکاری بین نهادها، کنترل ورودی و خروجی ورزشگاه‌ها، شماره‌گذاری درست صندلی‌ها، برخورد قاطع، سریع و مؤثر دستگاه‌ها و مراجع قضایی با برهم‌زنندگان نظم، افراد خاطی و نابهنجار، جلوگیری از ورود افراد مسئله‌ساز به استادیوم‌ها، تنظیم و تدوین قوانین و مقررات مربوط به حفظ امنیت ورزشگاه‌ها و ایجاد فضای ذهنی امن برای کلیه تماشاگران اعم از زن و مرد می‌باشد. بی‌شک حضور زنان در ورزشگاه‌ها به عنوان تماشاگر با پیش‌شرط‌هایی برای مناسب‌سازی ورزشگاه‌ها و فراهم کردن شرایط سالم و امن برای آن‌ها همراه خواهد بود. بیشترین دل‌مشغولی و نگرانی پاسخ‌دهندگان به این پرسشنامه به عنوان نمونه‌هایی از کل جامعه ایران، ناامن بودن فضای کنونی ورزشگاه‌های ایران و احتمال بروز اتفاقات و خطرات بالقوه برای زنان بود. برنامه‌ریزی و احداث مکانی جدا از بخشی که آقایان حضور دارند،

وضع قوانین بازدارنده در زمینه ادبیات نامناسبی که برخی از ورزشکاران و تماشاگران مرد در ورزشگاه‌ها به کار می‌برند، تأکید بر افزایش میزان ادب و نزاکت در ادبیات محاوره‌ای مردان تماشاگر و ورزشکار از جمله مواردی است که می‌تواند منجر به سلامت حضور زنان در مکان‌های ورزشی شود. در این راستا، باتمانی و سجاد زاده (۱۳۹۵) از جمله راهکارهای حفظ امنیت برای حضور زنان در مکان‌های ورزشی را عواملی چون: حضور مأموران نیروی انتظامی، دسترسی راحت به مناطق موردنظر، افزایش تاکسی‌ها و خطوط حمل و نقل عمومی و ایستگاه اتوبوس‌های امن دانستند. در خارج از کشور نیز تحقیقاتی از جمله پژوهش مادسنسن و اک^۱ (۲۰۰۸) به منشأ خشونت تماشاگران پرداخته و آن را در سه عامل ویژگی رویداد (حساسیت رویداد، مدت آن، ویژگی جمعیتی)، ویژگی مکانی (دما، سطح سروصدا، نوع مکان، ترتیب صندلی‌ها) و ویژگی پرسنل امنیتی استادیوم (میزان آمادگی، تجارب، حضور آنان) دانسته‌اند. به نظر می‌رسد موانع امنیتی، ساختاری و مدیریتی عواملی در هم تنیده باشند که به عنوان مثال، زیرساخت‌های نامناسب استادیوم‌های ورزشی زمینه را برای ایجاد ناامنی و آشوب از سوی برخی تماشاگران فراهم می‌کند.

سومین راهکار جهت تسهیل حضور زنان در استادیوم ورزشی، راهکار فرهنگی - اجتماعی شامل تقویت فرهنگ حضور زنان در ورزشگاه‌ها توسط رسانه‌ها، فراهم کردن آموزش و آگاهی مناسب نسبت به حضور زنان در جامعه، دعوت از خانواده‌ها برای حضور در ورزشگاه‌ها و تسهیل آن با فراهم کردن امکانات لازم، حمایت رسانه‌های جمعی، پررنگ کردن حضور زنان پایبند به اخلاقیات از طریق مصاحبه با این افراد در رسانه‌ها، حضور مسئولان مهم کشوری به همراه همسران و دخترانشان در استادیوم‌ها، تغییر دادن نگرش و بهنجار شناخته شدن حضور زنان در ورزشگاه‌ها از طریق آگاهی دادن به مدیران و مسئولان رده بالای کشور است. یافته‌های تحقیق قبادی‌پور (۱۳۹۵)، عبدوی و فخری (۱۳۹۰) و المیری و همکاران (۱۳۸۸) با نتایج پژوهش حاضر در مورد نقش رسانه‌ها در توسعه ورزش زنان همخوانی دارد. امکان حضور خانواده‌ها در ورزشگاه را دلیلی بر اشتیاق بیشتر تماشاگران برای حضور در ورزشگاه و تماشای مسابقات فوتبال دانسته‌اند که با راهکارهای تعریف‌شده در این پژوهش همخوانی دارد؛ چنان‌که درصد زیادی از پاسخ‌گویان به این تحقیق، تعیین مکان مناسب ویژه برای خانواده‌ها و زنان را مناسب می‌دانند. با این همه نگرانی از عدم رعایت اصول اخلاقی و رفتاری از سوی مردان برای پاسخگویان (به ویژه نخبگان و روحانیان) وجود داشت و به همین لحاظ، زمان حاضر را برای حضور زنان تماشاچی مناسب نمی‌دانند و معتقدند تا هنگامی که این فرهنگ در افراد و در ورزشگاه‌ها ایجاد نشود، حضور تماشاچیان زن، خود سبب بروز مشکلات بیشتری خواهد شد. زنان از منظر تربیتی و فرهنگی، نقش مهمی را در جامعه ایفا می‌کنند که این نقش اگر با نقش ورزش در سلامتی فرد ترکیب شود، می‌تواند قشر عظیمی از جامعه را از منظر سلامتی جسم و روح بیمه کند؛ اما بدون تردید با توجه به فضای کنونی جامعه ایران، اولین قدم برای حضور زنان در عرصه‌های ورزشی، بالا بردن آگاهی و نگرش جامعه است. بالا بردن آگاهی جوامع برای حضور زنان تماشاگر در ورزشگاه‌ها و عادی‌سازی این مقوله بیش از هر چیز به اهتمام رسانه‌ها و تبلیغات نیازمند است. شناساندن هنجارها و ناهنجارها، اخلاقیات و غیر اخلاقیات و نیز

جانداختن این مورد که در ایران نیز زنان باید دارای فرصت برابر، مصونیت برابر و حقوق اجتماعی برابر باشند می‌تواند نمونه‌هایی از ایجاد آگاهی در این زمینه باشد.

چهارمین راهکار جهت تسهیل حضور زنان راهکار زیرساختی می‌باشد که شامل فراهم کردن سیستم حمل و نقل مناسب و ایمن، فراهم کردن ورودی‌های امن جهت تردد زنان، فراهم کردن جایگاه مناسب برای زنان جهت تماشای مسابقات، فراهم کردن جایگاه مناسب برای خانواده‌ها جهت تماشای مسابقات، فراهم کردن سرویس بهداشتی امن و محفوظ، فراهم کردن فروشگاه مناسب جهت رفع نیازهای زنان و اختصاص هزینه‌های زیرساختی لازم جهت حضور زنان می‌باشد. به نظر می‌رسد حضور زنان در استادیوم‌ها مشروط به تأمین زیرساخت‌هایی مانند سالن‌های مناسب و حمل و نقل ایمن برای تسهیل رفت و آمد زنان و نیز تجهیزات امنیتی مناسب مانند دوربین‌های مدار بسته و فراهم کردن زیرساخت‌هایی از جمله نصب دوربین‌های مدار بسته به منظور ایجاد امنیت ورودی و خروجی زنان است. در واقع، مقدمات و زیرساخت‌های فراوانی باید فراهم شود تا هم بتوان فضاهای ورزشی را مناسب‌سازی نمود و هم برگزارکنندگان مسابقات را تحت آموزش قرارداد تا وقتی خانواده‌ها در رویدادهایی با حجم جمعیت زیاد در مسابقات حضور پیدا می‌کنند، هم‌شان آن‌ها حفظ شود و هم به آرامش و نشاط ناشی از تماشای یک رویداد ورزشی دست پیدا کنند - چنان‌که نادری و همکاران (۱۳۹۳) مهم‌ترین مطالبات در فضاهای ورزشی مخصوص زنان را تجهیز سالن‌های ورزشی زنان و فعال‌سازی بخش ورزشی موجود دانستند. توسعه فضاهای ورزشی و زیرساخت‌های آن برای زنان می‌تواند یکی از اهداف مهم وزارت ورزش و جوانان باشد.

راهکار پنجم (مدیریتی) شامل ارتقای دانش شغلی مدیران ورزشی، حمایت و تعامل نهادهای مختلف از یکدیگر برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها، ایجاد ساختار مدیریتی در ورزش زنان و ایجاد کانون‌های هواداری ورزش زنان بود. اهمیت نقش مدیران در سازمان‌ها به اندازه‌ای است که برخی از صاحب‌نظران وجود یک مدیر قابل و واجد صلاحیت را برای موفقیت سازمان کافی دانسته‌اند. امروزه یکی از چالش‌هایی که سازمان‌های ورزشی و سایر سازمان‌ها را در زمینه انتصاب مدیران تحت تأثیر قرار داده مسئله عدم شایسته‌سالاری، تبعیض و بهره‌وری ناکافی منابع انسانی است. از این رو، جذب مدیران ورزشی لایق و کار آشنا و درگیر با مسائل ورزشی و اهتمام بر افزایش به‌روز دانش و مهارت‌های آن‌ها می‌تواند بسیار کارساز باشد. نفوذ و برتری مردان در عرصه ورزش و تأثیر آن در نگه‌داشتن زنان در حاشیه ورزش تا حد زیادی انجام شده است (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۲). در این راستا، فراهم کردن محیط و اجرای اصلاحیه آموزشی در سال ۱۹۷۲ به عنوان یک قانون بین‌المللی مبتنی بر منع تبعیض جنسیتی در برنامه‌های آموزشی کشورهای جهان از جمله اقدامات قابل توجه بوده است (آکوستا و کارپنتر^۱، ۲۰۱۴). بنابراین با توجه به وجود مشکلات و محدودیت‌های فرهنگی و مدیریتی، کمبود فضاهای ورزشی و تفریحی مختص زنان، نبود لیگ‌های ورزشی معتبر و دائمی مختص زنان، حمایت نکردن از تیم‌های ورزشی زنان و ... ضروری است توجه ویژه‌ای به برطرف کردن این کاستی‌ها مبذول شود و زمینه‌های توسعه مشارکت زنان در ورزش از جمله حضور در ورزشگاه‌ها فراهم گردد.

راهکار ششم جهت تسهیل حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی، راهکار اقتصادی است که شامل ترغیب اسپانسرها به سرمایه‌گذاری در بخش ورزش زنان و ارتقای آگاهی و دانش حامیان مالی در زمینه درآمدزایی بیشتر آنان با حضور زنان در استادیوم‌ها می‌باشد. بخش خصوصی باید برای حمایت از ورزش زنان ترغیب شود و این امر در صورتی محقق می‌گردد که فدراسیون‌ها و رسانه‌ها باهم همکاری کنند. در مجموع، به نظر می‌رسد که رفع مشکل حضور زنان مستلزم وجود زیرساخت‌های لازم از جمله مسائل مالی است که این مهم می‌تواند از طریق بخش خصوصی یا حامیان مالی مختلف تامین شود. باتمانی و سجادزاده (۱۳۹۵) بر وجود زیرساخت‌ها به عنوان عوامل مؤثر بر حضور زنان در پارک‌های جنگلی سنندج تاکید کردند. احمدی و رضوی (۲۰۱۵) نیز یکی از ابعاد تحلیلی در مورد حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی ایران را بُعد اقتصادی معرفی کردند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۹) هم در بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی به این نتیجه دست یافتند که زنانی که از پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، گرایش بیشتری به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی از خود نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی چه در بُعد اجتماعی و در چه بُعد حمایت‌های سازمانی می‌تواند حضور زنان در ورزشگاه را تحت تاثیر قرار دهد.

از پیامدهای سیاسی حضور زنان، کاهش فشارهای بین‌المللی در برگزاری رویدادهای جهانی، ارتقای جایگاه سیاسی دموکراسی در منطقه و جهان، کاهش شکاف بین دولت و خواسته مردم، کاهش فشارهای سیاسی در زمینه نقض حقوق بشر و ایجاد برابری و مساوات زن و مرد در بخش ورزش بود. کشاورز و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی یکی از تهدیدهای میزبانی رویدادهای بین‌المللی را محدودیت حضور زنان به عنوان تماشاگر در ورزشگاه‌ها بیان کردند. سازمان‌های ورزشی بین‌المللی با اعتراض به عملکرد دولت ایران در محروم کردن زنان از ورود به ورزشگاه، برخی تنبیهات و محرومیت‌ها را علیه ایران وضع کرده‌اند؛ همانند محرومیت ایران از میزبانی در مسابقات لیگ جهانی والیبال و خواهان رفع تبعیض جنسیتی و برداشته شدن ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه‌های کشورمان شده‌اند. از سوی دیگر، بعضی سازمان‌های حقوق بشری نیز با استناد به محرومیت زنان ایرانی از حضور در ورزشگاه‌ها، ایران را به نقض آزادی، برابری و حقوق بشر محکوم کرده‌اند و در واقع این مسئله به چماقی بر سر کشورمان در جوامع بین‌المللی و سیاسی تبدیل شده است. این در حالی است که کشورهای مسلمان همسایه ما که در بیشتر رشته‌های ورزشی سطح پایین تری از ما دارند، محدودیت زنان در ورزشگاه‌ها را از پیش روی خود برداشته‌اند و حتی شاهد آن هستیم که توانستند میزبانی مسابقات مهمی همچون جام جهانی را کسب کنند (خبرگزاری ایمن، ۱۳۹۷). بر این اساس به نظر می‌رسد این مسئله جدا از اعتراضات داخلی، به موضوع جدی امنیتی و حیثیتی نیز برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و برخی هزینه‌های سیاسی را نیز بر کشور تحمیل کرده است. در واقع، حضور زنان و خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها با رعایت ارزش‌های عرفی نه تنها امنیت اجتماعی را به خطر نمی‌اندازد، بلکه ضامن امنیت ملی مردم محور است و نشاط اجتماعی، رضایتمندی و احساس برابری نیز امنیت ملی را می‌سازد.

پیامدهای امنیتی شامل بهبود سرمایه اجتماعی، بهبود مکانیسم‌های کارآمد کنترل اجتماعی و کنترل بهتر

رفتارهای تماشاگران مرد از طریق حضور زنان در ورزشگاه‌ها به عنوان دومین مؤلفه مورد پرسش از پاسخ دهندگان قرار گرفت. نتایج این تحقیق در زمینه پیامدهای امنیتی با تحقیق، احمدی و همکاران (۱۳۹۵) همخوان می‌باشد. با توجه به فضای تک جنسیتی ایجاد شده در ورزشگاه‌های ایران، به طور معمول ادبیاتی در این فضاها به کار گرفته می‌شود که مناسب بیان عمومی نیست. در واقع کم‌کم در استادیوم‌ها با شرایط فرهنگی بحران‌آمیز و نامناسبی روبه‌رو شده‌ایم که به نظر می‌رسد مطلوب شدن فضای موجود استادیوم‌ها، وابسته به حضور زنان است و همچنین با آزاد شدن ورود زنان، فضای فرهنگی استادیوم هم بهتر خواهد شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۷). در نتیجه به نظر می‌رسد حضور زنان در ورزشگاه‌ها، فضای نامناسب فرهنگی در ورزشگاه‌ها را تعدیل و بهبود بخشد. پیامدهای فرهنگی - اجتماعی شامل غنی‌سازی اوقات فراغت سالم و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، رفتار مطلوب‌تر و بهنجار در بین تماشاگران، ارتقای توسعه ورزش در خانواده‌ها، ایجاد و توسعه فرهنگ حرفه‌ای در ورزشکاران، بهبود نگرش مردم جهان نسبت به جایگاه زنان مسلمان در جامعه و ارتقای سطح اعتماد به نفس زنان در مشارکت‌های فرهنگی و اجتماعی بود. نتایج تحقیق پاتون^۱ (۲۰۰۴)، نیز مؤید همین موضوع در جامعه‌ای دیگر می‌باشد. پیامدهای اقتصادی حضور زنان شامل افزایش جذب حامیان مالی در ورزش، کمک به بهبود زیرساخت‌های ورزشی در ورزشگاه‌ها، ایجاد درآمد بهتر از طریق بلیت‌فروشی و سایر راه‌های کسب درآمد برای باشگاه‌ها و گرایش بیشتر زنان به ورزش می‌باشد. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشورمان را زنان تشکیل می‌دهند که علاقه‌مندی آن‌ها به ورزش به عنوان هوادار کمتر از مردان نیست، در صورت فراهم شدن امکان حضور زنان در ورزشگاه‌ها به عنوان تماشاگر، شاهد افزایش دوچندان تماشاگر در ورزشگاه‌ها خواهیم بود. البته علاوه بر حضور خود زنان، شاهد همراهی اعضای خانواده و همچنین همراهی بیشتر مردان نیز خواهیم بود که این مسئله به افزایش نشاط و شادابی و سلامت روانی خانواده، افزایش تماشاگر و بهبود فضای رقابت، افزایش درآمدزایی باشگاه‌ها از طریق بلیت‌فروشی و جذب حامیان مالی بیشتر کمک خواهد کرد. بدیهی است که موارد یاد شده به کاستن از مشکلات مالی باشگاه‌ها و خصوصی‌سازی و گرفتن حق بلیت‌فروشی و در نهایت پیشرفت ورزش قهرمانی منجر خواهد شد. نباید از نظر دور داشت که برای پیشرفت و حرفه‌ای شدن ورزش، تیم‌داری دولتی (اداره تیم‌های ورزشی با کمک‌های مالی دولت) راهگشا نیست، بلکه خصوصی‌سازی تیم‌ها و استفاده از حمایت هواداران و بلیت‌فروشی و اسپانسر می‌تواند مسیر حرفه‌ای شدن ورزش قهرمانی ما را رقم بزند و این امر نیازمند فراهم شدن حضور خانواده‌ها به عنوان تماشاگر و علاقه‌مندی آن‌ها به ورزش است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که فرهنگ‌سازی برای حضور زنان تماشاگر در ورزشگاه‌ها از طریق کارشناسان اجتماعی، فرهنگی و ورزشی انجام شود. پیامدها و مزیت‌های حضور زنان در ورزشگاه‌ها به کرات یادآوری و تذکر داده شود تا در میان مشکلات جاری کم‌رنگ و مورد بی‌توجهی قرار نگیرد. همچنین، از ظرفیت‌های رسانه‌های گروهی در این زمینه بیشتر استفاده شود و دستگاه‌ها و مراجع قضایی با برهم‌زنندگان نظم، افراد خاطی و نابهنجار برخورد قاطع، سریع و مؤثر داشته باشند و از ورود افراد مسئله‌ساز به استادیوم‌ها و مجموعه‌های ورزشی جلوگیری شود.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی؛ عسکری، علی و نیک نژاد، محمد رضا. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۶ (۱۱)، صص ۶۱-۷۴.
- احمدی، فاطمه؛ رضانی نژاد، رحیم؛ برومند، محمدرضا و قادری، سید نعمت اله. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر حضور تماشاگران زن در استادیوم‌های ورزشی ایران». اولین همایش ملی تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی.
- باتمانی، ارسلان و سجادزاده، حسن. (۱۳۹۵). «ارتقای حضورپذیری زنان در فضای ورزشی با رویکرد توسعه امنیت اجتماعی (نمونه موردی: پارک جنگلی توس نوذر سمنج)». کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر جهان، تهران.
- پارکز، ژانت بی؛ بیورلی، آر؛ زنگر، کی و کوارترمن، جروم. (۱۳۸۲). مدیریت معاصر در ورزش. محمد احسانی. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
- تجاری، فرشاد و ترک فر، احمد. (۱۳۹۱). «تأثیر دوستان، موقعیت اجتماعی و خانواده بر انگیزش جذب تماشاگران به مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۱ (۹)، صص ۷۹-۸۸.
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۷). «بانوان ایرانی چند گام تا ورود به ورزشگاه». <http://www.irna.ir/fa/News/82704728>
- خبرگزاری ایمنما. (۱۳۹۷). «حضور زنان در ورزشگاه از امنیت ملی تا امنیت فرهنگی». <http://www.Imna.ir/news/356895/>
- رحمانی نیا، فرهاد؛ رضانی نژاد، رحیم و سلطانی، مصطفی. (۱۳۸۲). «مقایسه اثر حضور تماشاگران مرد و زن بر نتایج پرتاب آزاد بسکتبال و بارفیکس پسران دانشجو». نشریه حرکت. شماره ۱۷، صص ۱۳۷-۱۴۸.
- عبدوی، فاطمه و فخری، فرناز. (۱۳۹۰). «نقش رسانه در توسعه فرهنگ ورزش در اوقات فراغت». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. ۱۸ (۴)، صص ۳۱-۵۰.
- فخار طوسی، جواد. (۱۳۹۷). حضور زنان در ورزشگاه‌ها؛ پژوهشی فقهی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، به سفارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- قبادی پور، مرضیه. (۱۳۹۵). «نقش رسانه در ورزش بانوان». کنگره بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- قراخلو، رضا و نیسیان، فریده. (۱۳۸۶). «بررسی نگرش اقشار مختلف درباره حضور تماشاچیان زن در میدان‌ها و رقابت‌های ورزشی مردان». پژوهش در علوم ورزشی. ۱۷، صص ۳۳-۵۰.
- قهرمانی، جعفر؛ محرم زاده، مهرداد و سعیدی، شیدا. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر میزان شرکت معلمان زن مقاطع سه‌گانه تحصیلی در فعالیت‌های ورزشی هر مرد». نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۲ (۶)، صص ۵۷-۶۶.
- کشاورز، لقمان؛ فراهانی، ابوالفضل؛ رضایی صوفی، مرتضی و ذکایی، حسین. (۱۳۹۴). «تحلیل عاملی نقاط

- قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های اخذ و میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی در ایران». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۴(۱)، صص ۱۱-۲۴.
- معینی فر، حشمت‌السادات. (۱۳۸۸). «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه (مطالعه موردی: صفحه حوادث روزنامه همشهری)». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۲ (۷)، صص ۱۶۷-۱۹۷.
 - المیری، مجتبی؛ نادریان جهرمی، مسعود؛ سلطان حسینی، محمد؛ نصر اصفهانی، علیرضا و رحیمی، محمد. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر حضور تماشاگران فوتبال در ورزشگاه‌ها». نشریه مدیریت ورزشی. ۳، صص ۶۱-۷۳.
 - نادری، احمد؛ شهبازی، مهدی و اکبری، الهام. (۱۳۹۳). «تحلیل انسان‌شناختی ورزش زنان: مطالعه‌ای بر فعالیت‌های ورزشی در پارک‌های بانوان تهران». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۴(۲)، صص ۵۱-۶۸.
 - Ahmadi, F., Razavi, S.M.H. (2015). "An investigation into the cultural-social, economic, administrative and civil-law aspects of the presence of female spectators in Iranian sport stadiums". *International Journal of Sport Studies*, 5 (5), 570-575.
 - Acosta, R. V., & Carpenter, L. J. (2014). "Women in intercollegiate sport: A longitudinal study"—a 37-year update—1977–2014". Retrieved 9 November 2018 from: <http://www.acostacarpenter.org/>.
 - Bailey, Richard, I. Wellard and Dis-more, H. (2004). "Girls' participation in physical activities and sports: Benefits, patterns, influences and ways forward. Centre for physical Education and Sport Research". United Kingdom: Canterbury Christ Church University College. Available from: <http://www.icsspe.org/portal/download/Girls.pdf?PHPSESSID=002ba9b543c789519ae82d8eaf0862b8>.
 - Benn, T., Pfister, G., Jawad, H. (2011). *Muslim women and sport*. Routledge: New York
 - Beutler, I. (2008). "Sport serving development and peace: Achieving the goals of the United Nations through sport". *Sport in Society* 11(4): 359-369.
 - Blau, F. D., & Kahn, L. M. (2017). "The gender wage gap: Extent, trends, and explanations". *Journal of Economic Literature*, 55(3), 789–865.
 - Dixon, C. (2018). "Exploring the Experience of Women in Sport Leadership and Management". *University Research Symposium*, 45. https://ir.library.illinoisstate.edu/rsp_urs/45
 - Hargreaves, J. (1994). *Sporting females, Critical issues in the history and sociology of women's sports*. Routledge: Canada & USA
 - Heilman, M. E., & Caleo, S. (2018). "Combatting gender discrimination: A lack of fit framework". *Group Processes & Intergroup Relations*, 21(5), 725–744.
 - Hylton, K. (2001). *Sport development: policy, process, and practice*. London, New York; Routledge

- Madensen, T.D., Eck, J.E. (2008). **“Spectator violence in stadiums, a report of U.S Department of Justice”**. Available from: https://go.unlv.edu/sites/default/files/page_files/3/Spectator-Violence-in-Stadiums.pdf
- LaVoi, N. M. (2016). **“Introduction”**. In N. M. LaVoi (Ed.), *Women in sport coaching*. (pp. 1–9). New York: Routledge.
- Litchfield, C., Kavanagh, E., Osborne, J., Jones, I. (2018). **“Social media and the politics of gender, race and identity: the case of Serena Williams”**. *European journal for sport and society*, 15 (2): 154-170.
- Patton, R. and Burlington, V. (2004). **“Factors affecting spectator attendance at mens Ncce division one soccer games”**. *International Sport*, 7(2), Pp, 23-33.
- Pope, S. (2013). **“The love of my life, the meaning and importance of sport for female fans”**. *Journal of sport and social issues*, 37(2), 176-195.
- Richards, K. (2018). **“An Examination of Women in Leadership Positions in Sport: A case study of Australian Rules football”**. Doctoral thesis, Charles Sturt University, New South Wales.
- Stronach, M., Mazwell, H., Pearce, S. (2018). **“Indigenous Australian Women Promoting Health through Sport”**. *Sport management review*, <https://doi.org/10.1016/j.smr.2018.04.007>.
- Wicker, P., Cunningham, G.B., Fields, D. (2019). **“Head coach changes in women’s college soccer: an investigation of women coaches through the lenses of gender stereotypes and the glass cliff”**. *Sex roles*, 1: 1-11.
- Wu, C.H, Fong, W. C. (2011). **“Combining the fuzzy analytic hierarchy process and the fuzzy Delphi method for developing critical competences of electronic commerce professional managers”**. *Qual Quant*, 45,751-768.